

فهرست حمید در آینه فهرست شیخ طوسی^۱

هادی صابری^۲

چکیده

یکی از راه‌های پی بردن به میزان اعتبار اطلاعات موجود در کتب رجالی، کشف منابع این کتب و خصوصیات آن است. از این دریچه می‌توان اطلاعات را به شکل صحیح گردآوری نمود، و به جای تفسیرهای غلط برگرفته از مباحث غیر رجالی، به دور از هرگونه ظاهر نگری، به تفسیری صحیح از آن دست یافت. یکی از منابع مهم رجالی، فهرست شیخ طوسی است که اطلاعات بسیاری از منابع پیشین خود را گزارش داده است. اهمیت این اثر از آن جهت است که انتقال دهنده میراث فهرستی قبل از خود، بدون دخل و تصرفات اجتهادی است. از منابعی که شیخ در این کتاب از آن بسیار بهره برده، کتابی است که اطلاعات فهرست حمید در آن منعکس شده است. در نگاه اول به نظر این منقولات از فهرست حمید بن زیاد متخذ است، اما بررسی مطرح شده در نوشته حاضر، نشان می‌دهد کتاب فهرست

حمید در دسترس شیخ نبوده، یا لااقل در هنگام تألیف فهرست از آن بهره نبرده است؛ بلکه ایشان در نقل این اطلاعات از کتاب دیگری استفاده کرده، که فهرست فهرست حمید بوده است. ترتیب قرارگیری عناوین و ارسال‌های هدفمند فراوانی که در ناحیه مشایخ مشایخ حمید مشاهده می‌شود، مهم‌ترین شاهد بر این مدعا است. با توجه به این نظریه، استفاده از طرق موجود در این کتاب، برای بحث‌های رجالی، از جمله تمییز مشترکات و توحید مختلفات با مشکل مواجه می‌شود.

واژگان کلیدی: فهرست شیخ طوسی، حمید بن زیاد، ارسال.

مقدمه

از مهم‌ترین منابع برای کشف احوال راویان و طبقه آنها، کتاب‌های رجالی است. اعتبار این منابع، وابسته به عوامل مختلفی است که از جمله مهم‌ترین آنها، اعتبار منابع خود این کتب است. این مطلب، خصوصاً در آثار رجالی شیخ طوسی اهمیت بیشتری دارد؛ بدین دلیل که قرائن موجود، حاکی از میزان بالای تأثیرپذیری شیخ از منابع خود است. به گونه‌ای که در موارد زیادی اطلاعات منابع شیخ بدون کم و کاست و حتی همراه با اشتباهات آنها منعکس شده است. این امر اهمیت بررسی میزان اعتبار منابع شیخ را روشن می‌سازد. فهرست شیخ طوسی یکی از منابع مهم رجالی است که اطلاعات مهم فهرستی از جمله شناخت صاحبان کتب و آثار آنها و طریق‌های موجود به آثار در آن وجود دارد و شناخت منابع ایشان در این کتاب می‌تواند در نگرش صحیح به اطلاعات موجود در این کتاب، پژوهشگر را یاری رساند.

پیشینه

یکی از منابع عمده شیخ که در فهرست از آن بهره برده، کتابی است که در آن منقولات حمید بن زیاد را نقل می‌کند.^۱ محقق بروجردی در کتاب رجال اسانید^۲، ارسال‌های فراوانی را در طریق‌های شیخ از حمید به صاحبان کتاب کشف کرده است. نیز در لابه‌لای کلمات

۱. شیخ در حدود ۲۰۸ مدخل از حمید نام برده است که اکثر این مداخل همانطور که خواهد آمد، از یک کتاب استخراج شده است.

۲. در انتهای مقاله، موارد ارسال از نظر آقای بروجردی در ضمن موارد استقصاء شده ذکر خواهد شد.

برخی بزرگان نیز اشاراتی به اندکی از این ارسال‌ها شده است.^۱ اما توجیهی منطقی نسبت به این ارسال‌ها در کلمات محقق بروجردی و دیگران یافت نشد. استاد سیدمحمدجواد شبیری نظریه‌ای پیرامون منقولات شیخ، از فهرست حمید مطرح نموده است. ایشان می‌گوید: «به نظر می‌رسد خود فهرست اصلی حمید در اختیار شیخ طوسی نبوده و فهرستِ فهرستِ حمید در اختیارش بوده؛ بدین معنا که حمید بن زیاد غیر از فهرست مفصلی که داشته یک فهرستی هم نسبت به خود فهرستش داشته است».^۲ ایشان برای اثبات نظریه خویش برخی از شواهد را نیز مطرح نموده، اما به تمامی شواهد پرداخته است. مقاله حاضر در پی جمع‌آوری شواهد کافی و متقن برای اثبات این نظریه است، اما التزامی به تقریر کلام ایشان نیز در آن نیست، بلکه صرفاً بیان این نظریه، به قلم نویسنده است.

از جمله مهم‌ترین فواید اثبات این نظریه، می‌توان به تعیین دقیق طبقه‌روای و به تبع آن تمییز عناوین مشترک و توحید مختلفات راویان اشاره کرد.^۳ این مباحث در اعتبار سنجی راویان نقش بسزایی دارد. به عنوان نمونه، آقای خویی در ضمن بحث غیاث بن ابراهیم، برای اثبات مغایرت غیاث بن ابراهیم بتری که در اصحاب الباقر علیه السلام رجال شیخ است با غیاث بن ابراهیم که در اصحاب الصادق علیه السلام رجال شیخ وجود دارد به این مطلب استدلال کرده‌اند که راوی کتاب غیاث بن ابراهیم، الحسن بن علی اللؤلؤی است که از مشایخ حمید متوفی ۳۱۰ ق است و بنابراین حسن بن علی نمی‌تواند با یک واسطه از اصحاب الباقر علیه السلام نقل کند.^۴ همچنین روش شناسایی منابع و بازسازی منابع کهن رجالی و میزان اعتبار آنها از جمله این فواید است.

شرح حال حمید و مشایخ او

ابوالقاسم حمید بن زیاد از محدثین بزرگ قرن سوم و چهارم می‌باشد. وی اصالتاً کوفی بوده و به نینوا-قریه‌ای در نزدیکی حائر حسینی- نقل مکان می‌کند. حمید اگرچه از بزرگان واقفه بوده،

۱. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۲، ص ۲۹۸؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۱۱۰

۲. شبیری، کتاب العدد، جلسه ۶۴، ص ۵۱۶؛ همو، کتاب الارث، جلسه ۶۵، ص ۳۷۷.

۳. ن.ک: خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۲۱۲، مدخل ۲۶۰۰؛ همان، ج ۸، ص ۱۱۰، مدخل ۴۴۰۱؛

همان، ج ۱۰، ص ۲۰۸، مدخل ۶۰۸۸؛ همان، ج ۱۲، ص ۲۶۷، مدخل ۷۸۸۵؛ همان، ج ۱۴، ص ۲۵۲،

مدخل ۹۲۹۹؛ همان، ج ۱۶، ص ۱۳۵، مدخل ۱۰۳۲۹؛ خویی، موسوعة، ج ۳۲، ص ۱۲.

۴. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۵۲، مدخل ۹۲۹۹.

ولی مورد وثوق رجالیان امامی است. او راوی غیر مستقیم بسیاری از کتب و اصول است، و نام او در سلسله اسانید روایات زیادی آمده است. محدثین زیادی از جمله کلینی و ابوغالب زراری^۱ از او روایت کرده‌اند، و همچنین برخی مانند علی بن حاتم قزوینی در سال ۳۰۶ق و ابوالفضل شیبانی در سال ۳۱۰ق یعنی سال وفاتش^۲ از او اجازه روایت کتبش را دریافت نموده‌اند.^۳ همچنین ابوعلی محمد بن همام در سال ۳۰۹ق کتاب عاصم بن حمید را از او روایت کرده است.^۴ این راوی در قریب به اتفاق موارد، با سه یا چهار یا پنج واسطه از امام صادق علیه السلام نقل روایت می‌کند. شیخ طوسی در کتاب رجال حدود ۴۵ نفر از کسانی را که حمید از آنها نقل کرده، نام می‌برد. گرچه مشایخ وی بیش از این تعداد است، اما از این میان چند نفر مهم‌ترین مشایخ حمید هستند که شیخ در فهرست، بیشترین کتاب‌ها را از آنها نقل می‌کند. آشنایی با طبقه این راویان در بحث حاضر، بسیار اهمیت دارد؛ به همین جهت سعی شده است تا ضمن معرفی آنها، طبقه روایتگری ایشان نیز تا حد زیادی روشن شود. این افراد عبارتند از:

۱. حسن بن محمد بن سماعه: نجاشی او را چنین معرفی می‌کند: «أبو محمد الکندي الصيرفي من شيوخ الواقفة كثير الحديث فقيه ثقة و كان يعاند في الوقف و يتعصب». سپس داستانی در شدت عناد او نقل کرده، و بعد از آن چنین آورده است: «و قال حميد توفي أبو علي ليلة الخميس لخمس خلون من جمادى الأولى سنة ثلاث و ستين و مائتين بالكوفة و صلى عليه إبراهيم بن محمد العلوي و دفن في جعفي».^۵ همچنین شیخ در فهرست در ترجمه او چنین آورده است: «الكوفي واقفي المذهب إلا أنه جيد التصانيف نقي الفقه حسن الانتقاء».^۶ کشی نیز آورده است: «حدثني حمدويه ذكره عن الحسن بن موسى قال كان ابن سماعه واقفياً و ذكر أن محمد بن سماعه ليس من ولد سماعه بن مهران له ابن يقال له

۱. در رساله ابی غالب زراری در قسمت (ثبت الکتب)، کتاب‌های افراد متعددی را از حمید بن زیاد نقل کرده است؛ از جمله: معاویه بن وهب (زراری، رساله ابی غالب الزراری، ص ۱۶۵) و حریر بن عبدالله (همان، ص ۱۷۰).
 ۲. نجاشی، رجال، ص ۱۳۲.
 ۳. همان.
 ۴. عدة محدثين، الأصول الستة عشر، ص ۱۴۷.
 ۵. ر. ک: نجاشی، رجال، ص ۴۰.
 ۶. طوسی، فهرست، ص ۱۳۳.

الحسن بن سماعة واقفي».^۱ این راوی بیشتر با سه واسطه و کمتر با دو واسطه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و همچنین از امام باقر علیه السلام با سه واسطه نقل می‌کند، و از امام کاظم علیه السلام هم با دو واسطه نقل می‌نماید. در کتب اربعه و وسائل الشیعه، روایت ثابتی که با یک واسطه از یکی از این ائمه سه گانه نقل کرده باشد وجود ندارد. غالب قریب به اتفاق مشایخ او نیز در طبقه شاگردان شاگردان امام صادق علیه السلام هستند؛ مهم‌ترین مشایخ او عبارتند از: محمد بن ابی عمیر^۲، صفوان بن یحیی، عبدالله بن جبلة، جعفر بن محمد بن محمد بن سماعة، احمد بن حسن میثمی، علی بن حسن بن رباط، وهیب بن حفص، محمد بن ابی حمزه، حسین بن هشام ابی سعید مکاری، صالح بن خالد، حسن بن محبوب.

۲. عبید الله بن احمد بن نهیک: نجاشی در ترجمه او چنین آورده است: «أبو العباس النخعي الشيخ الصدوق ثقة، و آل نهيك بالكوفة بيت من أصحابنا منهم عبد الله بن محمد و عبد الرحمن السمریان و غیرهما».^۳ شیخ نیز در ترجمه او در رجال چنین آورده است: «یکنی أبا العباس، کوفی، روی عنه حمید کتباً کثیرة من الأصول».^۴ این راوی با دو سه یا چهار واسطه از امامین صادقین علیه السلام نقل می‌کند. غالب قریب به اتفاق مشایخ او نیز در طبقه شاگردان شاگردان امام صادق علیه السلام هستند. مهم‌ترین مشایخ او عبارتند از: محمد بن ابی عمیر، علی بن حسن طاطری.

۳. قاسم بن اسماعیل: شیخ در رجال، او را چنین توصیف کرده است: «القاسم بن إسماعیل القرشي یکنی أبا محمد المنذر روی عنه حمید بن زیاد أصولاً کثیرة».^۵ روایت اندکی از او در کتب اربعه و وسائل الشیعه باقی مانده است. مشایخ او نیز در طبقه شاگردان شاگردان امامین صادقین علیه السلام هستند که «الحسن بن علی بن فضال» و «عبیس بن هشام» از ایشان به شمار می‌آیند.

۴. ابراهیم بن سلیمان: نجاشی او را چنین توصیف کرده است: «إبراهیم بن سلیمان بن عبید

۱. کشی، رجال، ص ۴۶۹، مدخل ۸۹۴.

۲. بیشتر با تعبیر محمد بن زیاد.

۳. نجاشی، رجال، ص ۲۳۲.

۴. طوسی، رجال، ص ۴۳۰.

۵. همان، ص ۴۳۶.

الله بن خالد النهمي بطن من همدان الخزاز الكوفي (كوفي) أبو إسحاق كان ثقة في الحديث يسكن في الكوفة في بني نهم و سكن في بني تميم فقيل تميمي و سكن في بني هلال و نسبه في نهم^۱.
 ۱. شیخ در فهرست نیز شبیه عبارات نجاشی را دارد و در شرح حالش گفته: «یکنی أبا إسحاق الخزاز الهلالي (البلالي) من بني تميم روى عنه حميد بن زياد أصولاً كثيرة^۲.
 ابن غضائری اما او را تضعیف کرده و می گوید: «إبراهيم بن سليمان بن عبد الله بن حيان الهمداني الخزاز النهمي يکنی أبا إسحاق يروي عن الضعفاء كثيراً. و في مذهبه ضعف^۳.
 ۳. برخی از عامه این راوی را از جمله ثقات ذکر کرده اند.^۴ این راوی از ربیع بن سلیمان - که صاحب و شاگرد سکونی است - و عمرو بن خالد ابو حفص اعشی - که با یک واسطه از امام صادق عليه السلام نقل دارد - نقل دارد. روایت اندکی از او در کتب اربعه و وسائل الشیعه باقی مانده است.

۵. احمد بن میثم: نجاشی او را چنین توصیف کرده است: «أحمد بن میثم بن ابي نعيم الفضل بن عمرو لقبه ذکین ابن حماد مولى آل طلحة بن عبید الله أبو الحسين. کان من ثقات أصحابنا الكوفيين و من فقهاءهم. و له كتب لم أر منها شيئاً^۵.
 ۵. شیخ نیز او را شبیه نجاشی توصیف کرده است.^۶ این راوی از یزید بن اسحاق شعر و حسن بن علی بن ابی حمزه - که با یک یا دو واسطه از امامین صادقین عليهما السلام نقل دارند - روایت می کند.

کشف منبع در فهرست شیخ

کشف منابع کتب از راه های مختلفی امکان پذیر است. در برخی کتب این امر پیچیدگی کمتری دارد، مثل بسیاری از آثار شیخ طوسی. قرائن نشان می دهد که شیخ طوسی اطلاعات منابع خود را با کمترین اجتهاد و با میزان بالای امانتداری به کتابش منتقل کرده است. از این جهت یافتن رد پای منابع شیخ در آثارش با مشکلات کمتری مواجه است. برای یافتن منابع در فهرست شیخ طوسی می توان با کنار هم قرار دادن نکاتی به منابع شیخ دست یافت: ۱.

۱. نجاشی، رجال، ص ۱۸.
۲. طوسی، رجال، ص ۴۰۸.
۳. ابن غضائری، الرجال، ص ۴۱.
۴. ابن حبان، الثقات، ج ۸، ص ۸۸؛ عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۹۴.
۵. نجاشی، رجال، ص ۸۸.
۶. طوسی، فهرست، ص ۶۲؛ همو، رجال، ص ۴۰۸.

تکرار طرق مشابه که همگی به یک نفر ختم شده و از آنجا اختلاف در طریق پیدا می شود. این نکته بر این امر استوار است که اساساً نقل از یک کتاب با یک طریق، مأنوس تر از نقل از چند کتاب با طریق واحد است. البته این نکته به تنهایی دلیل بر کشف منبع نیست، بلکه با توجه به نکات بعدی استبعاد زیادی پیدا می کند، به گونه ای که گمان قوی به اخذ از منبع واحد حاصل شده و در مواردی اطمینان آور است؛ ۲. کنار هم قرار گرفتن طرق مشابه همراه با عواملی که سندها را در هم داخل و متصل و پیوسته می کند، مثل اشاره یا اضممار یا تعلیق. این نکته نیز به عنوان تکمیل کننده نکته نخست بسیار مهم است؛ زیرا در این فرض استبعاد نقل از چند منبع افزایش می یابد؛ ۳. مشابه بودن مقدار، سبک و مدل ارائه اطلاعات در مداخلی که طرق مشابه دارند؛ ۴. ترتیب خاص میان طرق ذکر شده بعد از فردی که اختلاف از او شروع می شود. این قرینه در عین حال که وحدت منبع را ثابت می کند، نشان دهنده ترتیب منبع نیز است؛ ۵. مقایسه اطلاعات مداخل دارای طریق های مشابه با کتاب های دیگر. این راهکار در فهرست شیخ طوسی، خصوصاً در مقایسه با رجال نجاشی و رجال شیخ اهمیت دارد؛ ۶. در نهایت اگر یقین یا گمان به وحدت منبع حاصل گردید، در مرحله بعد باید صاحب منبع را پیدا کرد. به نظر می رسد اغلب اشخاصی که در طرق اختلافات از آنان شروع می شود، صاحبان آن منابع هستند، خصوصاً در مواردی که در موضوع فهرست کتاب داشته باشد و دیگر افراد واقع در طریق - خصوصاً افراد قبل از این شخص - صاحب کتاب نبوده و یا در این موضوع کتاب نداشته باشند و یا با عنوانی مثل «عدة من أصحابنا» یاد شده باشند که ظهور در طریق بودن به کتاب دارد.

برای کشف منبع شیخ در نقل از کتاب حمید به نظر می رسد بسیاری از نکات فوق وجود دارد. پشت سر هم قرار گرفتن مجموعه ای از صاحبان کتب با طریقی واحد، ارجاع اسناد به یک سند واحد با پدیده ای مانند اشاره، ختم طرق به یک راوی در اسناد گوناگون و تغییر در اسناد بعد از آن راوی، وجود ترتیب و نظم منطقی بین مطالب گزارش شده - همان طور که خواهد آمد - و مشابهت و مقدار اطلاعات در این مداخل با طریق مشابه، در مجموع اثبات کننده نقل از منبع واحد است. این از سویی، در سوی دیگر، تنها کسی که در این طرق صاحب کتاب فهرستی است، حمید بن زیاد است. در نتیجه می توان این

اطلاعات را برگرفته از کتاب حمید دانست. در ادامه به بررسی این طرق که همگی به حمید ختم می‌شوند پرداخته می‌شود و خواهد آمد که کدام یک، از منبع واحد اخذ شده‌اند.

طریق‌های شیخ طوسی به حمید

- شیخ طوسی ذیل ترجمه حمید در فهرستش سه طریق به کتب و روایات حمید ذکر می‌کند:^۱
۱. «أخبرنا بروایاته کلّها و کتبه أحمد بن عبدون، عن أبي طالب الأنباري، عن حميد».
 ۲. «أخبرنا عدّة من أصحابنا، عن أبي المفضل، عن حميد».
 ۳. «أخبرنا أحمد بن عبدون، عن أبي القاسم علي بن حبشي بن قوني بن محمد الكاتب، عن حميد».

طریق سوم اصلاً در فهرست شیخ وجود ندارد. طریق اول (احمد بن عبدون عن ابی طالب) به حمید، طریق منحصر به او (به غیر از چند مورد انگشت شمار از غیر ابی المفضل) تا عنوان ۲۲۷ (الحسین بن زید) است.^۲ و از عنوان ۲۴۸ (الحکم بن حکیم) تا آخر کتاب، غیر از چند مورد انگشت شمار، طریق دوم (عدّة من أصحابنا عن ابی المفضل) طریق منحصر به حمید می‌باشد. در تحلیل این شیوه از طریق، چند احتمال مطرح است: اول اینکه نسخه احمد بن عبدون نزد شیخ ناقص، و نسخه ابی مفضل کامل بوده، و شیخ نسخه احمد بن عبدون را در قسمت موجودش ترجیح داده است. دوم اینکه نسخه ابی مفضل از اول ناقص، و نسخه احمد بن عبدون کامل بوده است، و شیخ نسخه ابی مفضل را در قسمت موجودش ترجیح داده است. سوم آنکه هر دو نسخه از ابتدا و انتها نقصان داشته‌اند. چهارم اینکه دو نسخه در کار نبوده و شیخ تفنن در ذکر طریق به حمید به خرج داده است و هیچ کدام در نظر ایشان ترجیحی بر دیگری ندارد. به نظر می‌رسد همین احتمال چهارم بیشتر با قرائن سازگار است. با در نظر گرفتن چند قرینه در کنار یکدیگر، می‌توان گفت این دو قسمت اختلاف ماهوی با یکدیگر ندارند و یک سبک را دنبال می‌کنند: اول؛ تفاوت طریق‌ها بعد از ذکر طریق‌های شیخ به روایات حمید در ذیل ترجمه او شروع

۱. همو، فهرست، ص ۱۵۵.

۲. عنوان ۲۳۹ طریقش به حمید واضح نیست.

می‌شود. دوم؛ ترتیب به دست آمده از کتاب حمید - که به ترتیب مشایخ حمید است و خواهد آمد - دقیقاً در دو قسمت وجود دارد. سوم؛ ارسال‌هایی که در ناحیه مشایخ مشایخ حمید صورت گرفته است در هر دو طریق وجود دارد. چهارم؛ با توجه به ترتیب کتاب حمید که بر اساس مشایخ او است، بعید به نظر می‌رسد که از ابتدا تا باب الحکم از طریق اول، و از این باب تا آخر ابواب از طریق دیگر باشد، و در عین حال دو کتاب باشند که هرکدام از اول یا آخر ناقص باشند؛ زیرا بسیار بعید است که به صورت اتفاقی تنها تا این باب از یک کتاب - که بر اساس ترتیب مشایخ است - آمده باشد، و از کتابی دیگر که آن هم بر اساس مشایخ است از این باب شروع شده باشد. در مجموع اختلاف ماهوی بین دو قسمت دیده نمی‌شود، و به نظر می‌رسد صرفاً دو طریق هستند، بدون اینکه دو نسخه وجود داشته باشد، و یا حداقل اینکه دو نسخه با یکدیگر تفاوتی نداشته‌اند.

در بین طریق‌های شیخ در فهرست، که حمید در آنها ذکر شده است چند طریق به چشم می‌خورد: طریق اول: «أخبرنا جماعة، عن التلعكبري، عن ابن همام (یا ابن عقده) عن حميد»؛ حدود ۱۰ مورد. طریق دوم: «أخبرنا أحمد (بن محمد) بن موسى، عن ابن عقدة، عن حميد بن زياد...»؛ در مدخل ۳۰۵ و ۱۴۰ آمده است. طریق سوم: «أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا أحمد بن جعفر، قال: حدثنا حميد بن زياد...»؛ ذیل مدخل ۲ و ۶۴ و ۷۷ که از طرق معروف نجاشی به حمید است. به نظر می‌رسد ذکر حمید در این طریق‌ها به دلیل نقل مستقیم از کتاب او نیست، بلکه در طریق اول نقل از کتاب تلکبری صورت گرفته است و در دو طریق دیگر نیز از کتاب حمید استفاده نشده است. نادر بودن و پراکنده بودن این طرق و همچنین خصوصیت برخی از این طرق که در ادامه خواهد آمد نشان دهنده اختلاف این طرق با دو طریق معهود شیخ است.

در مجموع با توجه به قرائنی که گذشت، به نظر می‌رسد دو طریق ابی طالب الانباری و ابی المفضل الشیبانی از یک نسخه حکایت می‌کنند و سه طریق پایانی نقل مستقیم از کتاب حمید نیستند.

ترتیب کتاب حمید

طبق بررسی‌ها، ظاهراً ترتیب کتاب حمید بر اساس ترتیب مشایخش بوده است؛ ایشان از هر یک از مشایخ خویش کتاب‌هایی را نقل کرده، و یکجا پشت سر هم آورده است. به عنوان مثال اصول و کتاب‌هایی که از استادش حسن بن محمد بن سماعه نقل کرده را در یکجا فهرست کرده، و اصول و کتاب‌هایی که از استاد دیگرش قاسم بن اسماعیل نقل کرده، پشت سر هم آورده است، و ترتیب الفبایی بر اساس صاحبان کتب نیز نبوده است. این ترتیب از ملاحظه ترتیب قرارگیری نقل‌های حمید در ابواب مختلف به دست آمد؛ به این ترتیب که مثلاً در باب ابراهیم، عنوان ۲۵ ابراهیم بن خالد العطار، و ۲۶ ابراهیم بن صالح از شیخ حمید یعنی (ابن نهیک) نقل، و عنوان ۲۸ ابراهیم بن نصر، و ۲۹ ابراهیم بن حماد از شیخ دیگر او (القاسم بن اسماعیل) نقل شده است. یا مثلاً در باب اسماعیل، سه عنوان ۴۲ اسماعیل بن دینار، ۴۳ اسماعیل بن بکر، ۴۴ اسماعیل بن ابان از شیخ او (ابراهیم بن سلیمان بن حیان) نقل شده است. مواردی نیز وجود دارد که در نگاه اولیه نقض به حساب می‌آید؛ مثل مدخل ۲ و ۱۸ که بدین جهت که به طریق‌های غیر معروف شیخ به حمید است، به نظر می‌رسد همان طور که گذشت شیخ از کتاب حمید استفاده نکرده است. همچنین مواردی که طریق ضمنی است، یعنی طریق به حمید به عنوان یکی از طریق‌ها در ضمن ترجمه آمده نیز نقض به حساب نمی‌آید؛ بدین جهت که در آن موارد، اخذ عنوان از مصادر دیگر بوده است؛ و یا لاقلاً احتمال آن وجود دارد. بنابراین عنوان ۲۷۶ داود بن الحُصَین که کتابش از طریق القاسم بن اسماعیل القرشی نقل شده است و در آخر همان باب کتاب عنوان ۲۸۶ داود بن ابی یزید دوباره از القاسم بن اسماعیل نقل شده است، نقض به حساب نمی‌آید؛ چون طریق شیخ در عنوان ۲۷۶ طریق ضمنی است و طریق اصلی، طریق ابن ابی جید از ابن ولید است. قرینه‌ای بر ترتیب کتاب حمید به شکل‌های دیگر نیز یافت نشد. البته موارد انگشت‌شماری از نقض وجود دارد که توجیه آنها کمی مشکل به نظر می‌رسد. مثل عنوان ۴۹۱ عمرو بن خالد الأعشی که کتابش از طریق ابراهیم بن سلیمان نقل شده است، و عنوان ۴۹۷ عمرو بن شمر که او هم کتابش از همین طریق

نقل شده است. با وجود اینکه در بین این دو عنوان از مشایخ دیگر حمید و از همان منبع یکسان نقل شده است، ولی بین این دو فاصله وجود دارد.

به نظر دو احتمال می‌تواند توجیه‌کننده این اتفاق باشد: یکی اینکه عنوان اول از منبعی دیگر اخذ شده است. شاهد آن می‌تواند عبارت (رواه الحسين بن الحكم الحبري، عنه) باشد که در ابتدا آمده است. و احتمال دیگر رجوع دوباره شیخ به حمید و پیدا کردن عنوان ۴۹۷ است. هر دوی این احتمالات با ترتیبی که بعداً از مشایخ حمید ارائه خواهیم داد سازگار است. همچنین سه عنوان ۶۵۷ محمد بن غورك، ۶۵۸ محمد بن خالد الأحمسي، ۶۵۹ محمد بن سکین، که کتاب آنها نیز از ابراهیم بن سلیمان نقل شده است نیز با توجه به اینکه عناوین ۶۸۵ محمد بن أبي عبد الله، ۶۸۶ محمد بن علي الصيرفي، ۶۸۷ محمد بن بكر الازدي، ۶۸۸ محمد بن مروان، ۶۸۹ محمد بن الصباح از ابراهیم بن سلیمان نقل شده است می‌تواند به عنوان نقض مطرح شود. سه مورد نخست در باب محمد در جایی واقع هستند که بعد از آنها به منابع دیگر رجوع شده است و با فاصله، دوباره به کتاب حمید بازگشت شده و ظاهراً در این رجوع، به جای دیگر کتاب حمید یعنی مشایخ دیگر او مراجعه شده است، تا اینکه دوباره به شیخ حمید یعنی ابراهیم - که همان طور که خواهد آمد این‌گونه به نظر می‌رسد که شیخ آخر فهرست حمید بوده -، رسیده است، و بعد از آن هم در باب محمد مدخلی از فهرست حمید نقل نشده است. در دو مورد هم عنوان نقضی تکرار شده است؛ یکی عنوان ۱۷۸ الحسن بن علي بن أبي حمزة که عیناً در عنوان ۱۸۵ تکرار شده است، و همچنین ۶۱۶ محمد بن شريح، که در عنوان ۶۶۷ عیناً تکرار شده است. به نظر می‌رسد این دو مورد به جهت مراجعه دوباره به منبع اصلی بوده است.

نکته‌ای که ترتیب کتاب حمید بر اساس مشایخ - و نه بر اساس صاحبان کتب - را تأیید می‌کند، ذکر دو عنوان عین هم از این کتاب است که از مشایخ گوناگون حمید نقل شده است. مثل عنوان محمد بن شريح در عنوان ۶۶۷ که حمید از طریق ابن سماعه کتاب او را نقل کرده است و همین راوی را با فاصله کم در عنوان ۶۷۱ از طریق ابن نهیک آورده است. این در حالی است که اگر این کتاب بر اساس عناوین صاحبان کتب نوشته شده باشد، قاعدتاً در یکجا راوی ترجمه شده و دو طریق به او ذکر می‌شود. همچنین موارد متعددی که

شیخ در رجال، عبارت «روی عنه حمید أصولاً كثيرة»^۱ و شبیه این عبارت را ذکر می‌کند، می‌تواند مؤید ترتیب بر اساس مشایخ باشد. بنابراین ذکر متعدد عنوان از فهرست حمید با دو طریق متفاوت، دلیل بر تعدد این عنوان نیست. به عنوان نمونه، آقای خویی در معجم رجال، ذیل عنوان عامر بن خداعه در توضیح اینکه واسطه بین حمید و عامر کدامیک از دو عنوان قاسم بن اسماعیل یا ابراهیم بن سلیمان است - زیرا در فهرست، واسطه قاسم است و در رجال، ابراهیم - وجه صحیح بودن آنچه در فهرست وجود دارد را این‌گونه ذکر کرده‌اند که در رجال نجاشی، واسطه مطابق با فهرست است.^۲ وجه بطلان این استدلال نیز از آنچه گذشت روشن می‌شود؛ زیرا اساساً کتاب حمید بر اساس صاحبان کتاب مرتب نبوده است و بر اساس مشایخ حمید مرتب شده بوده، و لذا ممکن است حمید آثار یک راوی را از دو استاد خویش نقل، و شیخ نیز به تبع او در دو جا به دو صورت نقل کند و این دلیلی بر ترجیح - آن‌گونه که آقای خویی می‌فرماید - نیست.

بعد از اینکه اصل ترتیب بندی بر اساس مشایخ حمید به دست آمد، مرحله بعد بررسی این نکته است که آیا ترتیبی بین مشایخ حمید هم لحاظ شده است یا خیر؟ با بررسی‌هایی که بین مشایخ پر تکرار حمید و خود حمید انجام شد، به نظر ترتیبی بین مشایخ حمید وجود داشته، که در تمامی ابواب اسامی رعایت شده است. ترتیب به این شکل است: الحسن بن محمد بن سماعه، خود حمید، عبیدالله بن احمد، احمد بن میثم، القاسم بن اسماعیل، ابراهیم بن سلیمان. در قریب به اتفاق موارد این ترتیب مراعات شده است و غیر از دو عنوان ۱۷۸ و ۶۱۶ که عیناً از همان دو شیخ در عناوین ۱۸۵ و ۶۶۷ تکرار شده است، و چند مورد اندک نقض، بین ابراهیم بن سلیمان با احمد بن میثم و القاسم بن اسماعیل و عبیدالله بن احمد بن نهیک وجود دارد که همگی از ناحیه ابراهیم بن سلیمان و آن هم در باب ابراهیم و عمرو و محمد است. به نظر می‌رسد بتوان همان توجیهاات بالا را در اینجا نیز ذکر کرد. البته این احتمال هم وجود دارد که کتاب حمید از جهت ابراهیم بن سلیمان با نوعی هم خوردگی مواجه باشد؛ به این دلیل که تمامی این نقض‌ها از جهت او است.

۱. طوسی، رجال، ص ۴۰۸، مداخل ۵۹۴۱، ۵۹۴۲، ۵۹۴۳.

۲. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۰۸.

فهرستِ فهرستِ حمید

از پدیده‌های جالب، در نسخه‌ای که شیخ طوسی از کتاب حمید نقل می‌کند، ارسال‌های فراوان است. بررسی این موارد در فهرست نجاشی نشان می‌دهد در نقلی که نجاشی از حمید دارد، قریب به اتفاق این ارسال‌ها وجود ندارد. به عنوان نمونه شیخ در ترجمه برد الاسکاف، کتاب او را توسط حمید از عبید الله بن احمد بن نهیک و حسن بن محمد بن سماعه مستقیم نقل می‌کند، ولی نجاشی کتاب او را توسط عبیدالله بن احمد با واسطه ابن ابی عمیر نقل می‌نماید.^۱ همچنین شیخ، کتاب الحسین بن أحمد المنقري ۲۲۵ را توسط القاسم بن اسماعیل مستقیم از او نقل نموده، در حالی که نجاشی این کتاب را از القاسم بن اسماعیل با واسطه عیسی بن هشام از الحسین بن احمد نقل می‌کند.^۲ همچنین کتاب حمید بن شعیب ۲۳۹ را توسط ابن سماعه مستقیم نقل می‌کند، در حالی که نجاشی این کتاب را از طریق ابن سماعه با واسطه عبدالله بن جبلة نقل کرده است. این ارسال‌ها در منقولات شیخ از حمید بسیار فراوان دیده می‌شود، به گونه‌ای که احتمال تحریف به سقط در نقل اسناد از منبع آن منتفی است. همچنین اینکه گفته شود طریق نجاشی مشتمل بر زیاده است نیز با توجه به طبقه روایان و اسناد روایات، واضح البطلان است. علاوه بر این، ارسال‌های بسیار دیگری نیز دیده می‌شود که از غیر طریق نجاشی و با توجه به طبقه روایان قابل کشف است. برای نمونه در مدخل ۱۵۸ جابر بن یزید الجعفی حمید با واسطه ابراهیم بن سلیمان مستقیماً کتاب جابر را نقل می‌کند^۳، در حالی که با توجه به طبقه ابراهیم و طبقه جابر که متوفی حدود سال ۱۳۰ است می‌توان به وجود ارسال در این سند حکم کرد. همچنین در مدخل ۳۵۳ شعیب بن أعین الحداد، حمید با واسطه حسن بن محمد بن سماعه متوفی ۲۶۳ ق مستقیم کتاب او را که از اصحاب امام صادق علیه السلام است نقل می‌کند؛ در حالی که شاگردان این راوی مثل صفوان بن یحیی در طبقه مشایخ ابن سماعه هستند. دو نکته مهم در این ارسال‌ها قابل تأمل است؛ نکته اول: تمامی موارد ارسال، در طبقه مشایخ حمید یا بعد از آن رخ داده است؛ یعنی

۱. نجاشی، رجال، ص ۱۱۳.

۲. همان، ۵۳.

۳. طوسی، فهرست، ص ۱۱۶.

مواردی که قاعدتاً باید حمید با دو یا سه واسطه از صاحبان کتاب نقل کند، ولی تنها با یک واسطه از صاحب کتاب نقل کرده است، و این ارسال‌ها در غیر طبقه مشایخ مشایخ حمید رخ نداده است. نکته دوم: که مهم‌تر است اینکه در غالب قریب به اتفاق مواردی که حمید باید با دو واسطه یا بیشتر از صاحب کتاب نقل کند، ارسال رخ داده است و به جز موارد بسیار اندکی، بین حمید و صاحبان کتب، یک واسطه بیشتر واقع نشده است. این دو نکته در کنار هم، نشان دهنده عمدی و هدفمند بودن ارسال‌های موجود است، و احتمال سقط را -به دلیل پدیده‌های سهوی توسط ناسخان- منتفی می‌کند. به عبارت دیگر صاحبان کتبی که به حسب ظاهر مشایخ حمید مستقیماً از آنها نقل می‌کنند، در طبقه‌های مختلفی واقع هستند و برخی همچون جابر جعفی (م حدود ۱۳۰) فاصله زمانی بسیاری از مشایخ حمید بن زیاد دارد. ضمن اینکه برخلاف فهرست شیخ طوسی که در آن نقل مستقیم مشایخ حمید از مؤلفانی در طبقه‌های مختلف دیده می‌شود، در رجال نجاشی چنین امر غریبی در طرق حمید مشاهده نمی‌شود. در نتیجه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که آنچه در اختیار شیخ طوسی بوده اصل فهرست حمید نبوده است، بلکه فهرست یا اجازه‌ای از حمید بوده که در آن بر اساس مشایخ حمید بن زیاد، سیاهه‌ای از کتبی که هر شیخی نقل کرده -چه مستقیم و چه غیر مستقیم- شماره شده است؛ لذا تعبیر واسطه «عن» بین نام مشایخ حمید و نام صاحبان کتب نشانگر نقل مستقیم مشایخ حمید از این مؤلفان نیست.

بررسی موارد نقض

این موارد بسیار اندک از نقض، غالباً در غیر طرق معروف شیخ به حمید، و غالباً از طریق تلعبیری از ابن همام است. البته در این طرق غیر معروف هیچ‌ارسالی از این سنخ (به جز یک مورد)^۱ دیده نمی‌شود و این خود نیز شاهی بر تفاوت دو طریق معهود شیخ با طرق دیگر او است. این امر -یعنی وجود واسطه بیشتر و عدم ارسال- نشان دهنده خصوصیت روایت تلعبیری است که آن را از دو طریق دیگر که در آنها ارسال رخ داده، متمایز می‌کند.

۱. در سال وفات جابر، اقوال مختلفی نقل شده است. ر.ج: نجاشی، رجال، ص ۱۲۸؛ طوسی، رجال، ص ۱۲۹.

۲. طوسی، فهرست، ص ۲۹۹، مدخل ۴۵۲.

همین امر این احتمال را تأیید می‌کند که شیخ از طریق تلعبیری روایتی دیگر از کتاب یا روایات حمید داشته است و شاهد آن، عبارتی است که ذیل عنوان ۴۵۶ عبد الله بن ایوب آورده است. ایشان ذیل این عنوان بعد از اینکه کتاب این راوی را از طریق حمید و با واسطه القاسم بن اسماعیل مستقیم از او نقل کرده، می‌گوید: و فی روایة التلعکبری، عن عیسی بن هشام، عن عبد الله بن ایوب؛ به این معنا که در روایت تلعبیری، القاسم بن اسماعیل با واسطه عیسی بن هشام، کتاب عبد الله بن ایوب را نقل کرده و در روایت ابی المفضل، ارسال در این ناحیه رخ داده است. همچنین از جمله قرائن خصوصیت روایت تلعبیری، عبارت ذیل عنوان ۲۸۷ داود بن ابی یزید است: (له کتاب. رواه حمید، عن القاسم بن اسماعیل، عن داود بن ابی یزید. و أخبرنا جماعة، عن التلعکبری، عن ابن همام، عن حمید، عن محمد بن تسنیم، عن الحجال، عن داود)؛ که بعد از ذکر طریق کتاب از حمید، طریق مستقل دیگری از تلعبیری نقل می‌کند.^۱

این احتمال مطرح است که این دو مورد از همان نسخه از کتاب حمید باشند که از طریق ابی المفضل نقل کرده است، اما با حواشی و تصحیحات تلعبیری در ضمن آن؛ بنابراین این دو مورد نشان از روایت دیگری از روایات حمید نیست. اما به نظر می‌رسد این احتمال علاوه بر آنکه با عبارت (و فی روایة التلعکبری) و عبارت (اخبارنا) که ظاهر در استقلال دارند چندان سازگاری ندارد، با برخی شواهد نیز سازگار نیست. به عنوان مثال از عنوان ۸۸۰ ابواسماعیل الفراء تا عنوان ۸۹۲ أبو أحمد البصری از فهرست حمید به روایت ابی المفضل نقل، و بلافاصله از عنوان ۸۹۳ ابو اسماعیل (الفراء) تا عنوان ۸۹۸ أبو غسان الذهلی از تلعبیری نقل شده است، که غیر از یک مورد همگی آنها از فهرست حمید به روایت ابی المفضل وجود دارند؛ با این تفاوت که در روایت تلعبیری با یک واسطه بیشتر بین حمید و صاحب کتاب نقل شده، و جالب آن است که در میان این عناوین تکراری عنوان ۸۹۶ ابو الصباح مولی آل سام از تلعبیری از غیر حمید یعنی از ابن عقده نقل شده است که خود این امر هم نشان دهنده متفاوت بودن روایت تلعبیری است. همچنین ذیل

۱. موارد دیگری از این دست وجود دارد مثل: عنوان ۳۲۹ (سلیمان بن صالح الجصاص)، و عنوان ۵۱۰ (عمر بن سالم).

عنوان ۲۶۱ حذیفة بن منصور که کتابش را از طریق حمید از القاسم بن اسماعیل نقل می‌کند ولی همان کتاب را به طریق تلعبیری از غیر حمید نقل می‌کند^۱؛ و جدا بودن طریق تلعبیری از دو طریق معهود شیخ نیز دلیلی بر اختلاف آن دو است. در مجموع به نظر می‌رسد نقل از تلعبیری از کتاب اوست و نقلی از کتاب حمید با واسطه تلعبیری صورت نگرفته است. غیر از این موارد، برخی موارد دیگر نیز از همان دو طریق معروف حمید نقل شده است و بر خلاف قریب به اتفاق موارد، دو واسطه بین حمید و صاحب کتاب وجود دارد، که عبارتند از ۶ مورد: (۵۷، ۲۵۶، ۵۳۲، ۷۷۶، ۷۸۳).

در توجیه این موارد باید در نظر داشت: ۱. مدخل ۵۷ آدم بن المتوکل که به این شکل وارد شده است: رویناه بالاسناد الأول، عن حمید بن زیاد، عن أحمد بن زید الخزاعي، [عن عیسی] عنه. (عیسی) در این طریق باعث وجود دو واسطه بین حمید و صاحب کتاب شده است، اما این کلمه از اضافات اجتهادی مصحح گرانقدر است و در نسخ موجود نیست. ۲. مدخل ۲۵۶ حسان بن مهران الجمال که به این شکل وارد شده است: أخبرنا به عدّة من أصحابنا، عن أبي المفضل، عن حمید، عن القاسم بن إسماعیل (عن علي بن النعمان) عن حسان الجمال. که در نسخ معتبر (علی بن النعمان) وجود ندارد و تنها در نسخه (ک) که در آن تصحیحات اجتهادی بر اساس رجال نجاشی مشاهده می‌شود وارد شده است، و در این مورد نیز در رجال نجاشی همین (علی بن النعمان) به عنوان واسطه وجود دارد.^۲ ۳. مدخل ۵۳۲ العباس بن الولید، طریق شیخ به کتاب او چنین است: رویناه بالاسناد الأول عن حمید، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن صفوان بن یحیی عنه.^۳ ظاهر از اسناد اول همان طریق پیشین از حمید است که در مدخل ۵۳۱ العباس بن عیسی وارد شده است. اما به نظر می‌رسد این طریق با اشکالاتی مواجه است؛ از جمله اینکه حمید در هیچ سندی، چه بدون واسطه، و چه با واسطه از احمد بن محمد بن عیسی نقل ندارد و در موردی که در روایات، حمید از العباس بن الولید نقل کرده است به واسطه ابن سماعه از ابن محبوب از او نقل

۱. طوسی، الفهرست، ص ۱۶۷.

۲. نجاشی، رجال، ص ۱۴۷.

۳. طوسی، الفهرست، ص ۳۳۸.

کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به این استبعادات، در این سند خللی رخ داده، و احتمال دارد این نقل از ابن بطه صورت گرفته، و به اشتباه از طرف شیخ یا ناسخان به حمید نسبت داده شده است. وحدت طریق به ابن بطه و حمید در دو مدخل قبل یعنی مدخل ۵۳۰ العباس بن معروف می‌تواند توجیه‌کننده این اشتباه باشد و همچنین وجود طریق به این کتاب در فهرست نجاشی از ابن بطه از احمد اشعری نیز می‌تواند همین احتمال را تقویت کند. ۵۰۴. دو مدخل ۷۸۲ هشام بن سالم، و ۷۸۳ هشام بن الحکم که با طریق (و أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، عن حميد، عن أبي العباس عبيد الله بن أحمد بن نهيك، عن ابن أبي عمير، عن هشام) در ذیل طرق دیگر وارد شده است که شهرت و طبقه این دو راوی می‌تواند توجیه‌کننده وجود ابن ابی عمیر بعد از ابن نهيك باشد؛ البته نیاز به بررسی بیشتر دارد. ۶. عجلتاً نسبت به مدخل ۷۷۶ ناصح البقال، توجیه قابل قبولی به دست نیامد. از مطالب فوق، نظریه استاد سیدمحمدجواد شبیری در رابطه با کتاب حمیدی که در دست شیخ بوده، یعنی فهرستِ فهرستِ حمید قابل اثبات است.

همچنین می‌توان گفت فهرست حمیدی که در دسترس نجاشی بوده، غیر از کتابی است که در دسترس شیخ بوده است. از جمله شواهد بر این ادعا علاوه بر طریق‌های متفاوت نجاشی و شیخ به حمید می‌توان به تفاوت‌های این دو کتاب در نقل از حمید اشاره کرد. مثل ارسال‌های متعددی که در فهرست شیخ مشهود است. همچنین عبارتی که ذیل ترجمه عبیدالله بن احمد بن نهيك در رجال نجاشی وجود دارد می‌تواند مؤید باشد: و قال حميد بن زياد في فهرسته: سمعت من عبيد الله كتاب المناسك، و كتاب الحج، و كتاب فضائل الحج، و كتاب الثلاث و الأربع، و كتاب المثالب. درحالی که اصلاً این راوی در فهرست شیخ ترجمه نشده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

دو براینند از مباحث پیش گفته به دست آمد. نخست آنکه ترتیب کتاب حمید بر اساس مشایخ او بوده است و ترتیب بین مشایخ او هم تا حدود زیادی کشف شد. بر این اساس می‌توانیم فهرست موجود نزد شیخ طوسی را بازسازی کنیم. دیگر آنکه ارسال‌های فراوانی در طرق حمید در ناحیه مشایخِ مشایخِ او وجود دارد که نشان دهنده استفاده شیخ طوسی از منبعی غیر

از فهرست اصلی حمید است. توجه به این نکته، اعتماد بر طرق حمید در کتاب شیخ را برای بحث‌های رجالی با مشکل مواجه می‌سازد؛ بحث‌هایی که بر اساس طبقه‌راویان انجام می‌گیرد همچون توحید مختلفات، تمییز عناوین مشترک و دیگر بحث‌های مرتبط.

پیوست

به پیوست این مقال، فهرستی از مداخلی که ارسال در آنها رخ داده است ارائه می‌شود. در این فهرست، ۱۲۹ مدخل وجود دارد که به قطع یا ظن، در آنها ارسال رخ داده است.^۱ مداخل ستاره‌دار، مواردی است که ارسال در آنها در کلام محقق بروجردی ذکر شده است.^۲

۲۰. ابراهیم بن عمر الیمانی* ۲۳. ابراهیم بن یحیی. ۲۵. ابراهیم بن خالد العطار. ۲۸. ابراهیم بن نصر. ۳۹. اسماعیل بن عبد الخالق. ۴۹. اسماعیل بن جابر. ۵۳. إسحاق بن جریر. ۵۵. إسحاق القمی. ۵۶. آدم بیاع اللؤلؤ. ۵۷. آدم بن المتوکل*. ۱۱۳. أحمد بن رباح. ۱۲۳. أسباط بن سالم*. ۱۳۳. بسطام بن سابور. ۱۳۵. بریه العبادي. ۱۳۷. بُرد الإسکاف. ۱۳۸. ثابت بن دینار. ۱۴۰. ثابت بن شریح. ۱۵۸. جابر بن یزید الجعفی*. ۱۸۳. الحسن بن علی بن ابي المغیره. ۱۸۸. الحسن بن عطیة الحنّاط. ۱۸۹. الحسن بن زیاد. ۱۹۰. الحسن بن علی الکلبی. ۲۲۴. الحسين بن عثمان الرواسي. ۲۲۵. الحسين بن أحمد المنقري*. ۲۲۶. الحسين بن حماد*. ۲۲۷. الحسين بن زید. ۲۳۹. حمید بن شعیب. ۲۴۸. الحکم بن حکیم. ۲۵۶. حسان بن مهران الجمال*. ۲۵۸. حمزة بن حمران. ۲۶۰. حجّاج الخشاب. ۲۶۱. حذیفة بن منصور. ۲۶۲. حجّاج بن دینار. ۲۶۳. حاتم بن اسماعیل*. ۲۷۶. داود بن الحصین*. ۲۸۵. داود بن سرحان. ۲۸۶. داود الحمار. ۲۸۷. داود بن ابي یزید. ۲۸۸. دُرست الواسطي. ۳۰۴. زیاد بن ابي الحلال. ۳۱۰. زُرَیق الخُلُقاني. ۳۲۰. سعد بن ابي خلف الزام*. ۳۲۱. سعد بن طریف*. ۳۲۹. سلیمان بن صالح الجصاص. ۳۳۱. سَوید. ۳۳۲. سيف التمار. ۳۵۳. شُعيب بن أعین الحدّاد*. ۳۶۴. صالح القمّاط. ۳۶۷. صَبّاح بن یحیی المُرَني. ۳۷۲.

حجرت
پوهندها

سال چهارم، شماره ۴، سال ۱۴۰۰

۱. استخراج این افراد توسط صدیق ارجمند، آقای حسین عزیزپور به انجام رسیده است.
۲. ایشان در «الموسوعة الرجالية...» با تعابیر مختلفی این ارسال‌ها را استناد داده‌اند؛ برخی را به صورت جزئی و برخی را به صورت ظنی ذکر کرده‌اند.
۳. با توجه به رجالی‌نجاشی و شیخ ظاهراً تصحیف رزق به زریق رخ داده که اصلاح شد.

طلحة بن زيد. ٤٠٠ علي بن ميمون الصائغ. ٤٠١ علي بن أبي جهمة. ٤٠٢ علي بن
شجرة*. ٤٠٥ علي بن سويد السائي*. ٤١١ علي بن شجرة*. ٤١٢ علي بن غراب. ٤٥٣
عبد الله بن عطاء. ٤٥٥ عبد الله بن الوليد. ٤٥٦ عبد الله بن أيوب*. ٤٥٧ عبد الله يكتي
أبا عتبة. ٤٧٠ عبيد بن زرارة*. ٤٧٢ عبيد بن عبد الرحمن. ٤٧٩ عبد الرحمن بن أعين*.
٤٨٢ عبد الكريم بن هلال القرشي. ٤٨٧ عبد الملك بن عتبة الهاشمي*. ٤٩١ عمرو بن
خالد الأعشى. ٤٩٢ عمرو بن حريث. ٤٩٤ عمرو بن أبي نصر. ٤٩٦ عمرو بن اليسع. ٤٩٧
عمرو بن شمر. ٥٠٤ عمر بن أذينة*. ٥٠٧ عمر بن أبان الكلبي*. ٥١٠ عمر بن سالم. ٥١١
عمر بن خالد*. ٥٢٢ عيسى بن أعين. ٥٢٣ عيسى بن السري. ٥٣٤ عتبة بن محرز. ٥٣٩
عمران بن حمران. ٥٥٢ عبد الصمد بن بشير*. ٥٥٥ عتبة بن أبي القصب*. ٥٥٦ عبد الغفار
الجازي*. ٥٥٧ عامر بن جداة*. ٥٥٨ عبد المؤمن بن القاسم. ٥٥٩ عمار بن زياد. ٥٦١
غياث بن إبراهيم. ٥٦٩ الفضل بن أبي قره*. ٥٧١ فضيل بن عثمان الصيرفي*. ٥٧٢ فيض
بن المختار*. ٥٨٣ قتيبة الأعشى*. ٦١٤ محمد بن مروان الذهلي. ٦١٦ محمد بن شريح.
٦١٧ محمد بن يحيى الخثعمي. ٦٥٨ محمد بن خالد الأحمسي. ٦٦٧ محمد بن شريح.
٦٧١ محمد بن شريح. ٦٨٠ محمد بن مسعود. ٦٨١ محمد بن حكيم. ٦٨٢ محمد بن
إسحاق بن عمار. ٧١٦ موسى النُميري. ٧٢٥ موسى بن أبي حبيب. ٧٢٩ منصور بن محمد.
٧٣٥ معلّى بن موسى. ٧٤٠ معاوية بن وهب بن فضال. ٧٤١ معاوية بن وهب بن جبلة.
٧٤٢ معاوية بن وهب الميثمي. ٧٥٠ مثنى بن راشد. ٧٥١ مثنى بن عبد السلام*. ٧٥٩
مُنخَل بن جميل. ٧٧١ مُشمَعِل بن سعد الناشري*. ٧٨٧ هارون بن خارجه. ٧٩٢ يحيى بن
محمد بن عليم. ٧٩٩ يحيى بن عبد الرحمن الأزرق. ٨٠٠ يحيى بن أبي العلاء الرازي*.
٨٠٩ يعقوب بن شعيب*. ٨١٥ يونس بن ظبيان*. ٨٣٠ أبو خالد القمّاط*. ٨٦٨ أبو مريم
الأنصاري*. ٨٧٩ أبو سعيد المُكاري. ٨٨٠ أبو إسماعيل الفراء. ٨٨١ أبو هارون السنجي.
٨٨٢ أبو حفص الرمّاني. ٨٨٣ أبو مُخَلد السراج. ٨٨٤ أبو الحُصَيْن الأسدي. ٨٨٥ أبو
غَسّان الذّهلي. ٨٨٦ أبو عبد الرحمن الأعرج. ٨٨٧ أبو شبل. ٨٨٨ أبو كَهَمَس. ٨٨٩ أبو
الصَّبّاح، مولى آل سام. ٨٩٠ أبو جعفر شاه طاق*. ٩١٢ ابن عصام.

این ۱۰ مدخل نیز نیاز به بررسی بیشتر دارند:

٣١٤ زَكَارَ بن يحيى الواسطي. ٩٠٧ الحِمْياني. ٨٣٥ أبو غَسَّان النهدي. ٨٠١ يحيى بن هاشم. ٧٧٥ نوح، يَكْنَى أبا اليقظان. ٧٧٠ مصعب بن سلام. ٦٨٤ محمد بن راند الخَزَّاز. ٦٧٢ محمد بن بشير. ٦٧٣ محمد بن عصام. ٤٥٢ عبد الله بن أيوب بن راشد.

منايع و ماخذ

١. ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي، الثقافات، دار الفكر، ج١، ١٣٩٥ق.
٢. ابن غضائري، احمد بن حسين، الرجال لابن الغضائري، قم: دار الحديث، ج١، ١٣٦٤ش.
٣. بروجردى، حسين، الموسوعة الرجالية (٦): رجال أسانيد (أو طبقات رجال) مشهد: مجمع البحوث الإسلامية في الأستانة الرضوية المقدسة، ١٤١٣ق.
٤. خويى، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرجال، [بى جا]: [بى نا]، ج٥، ١٤١٣ق.
٥. _____، موسوعة الإمام الخوئي، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، ج١، ١٤١٨ق.
٦. زراري، احمد بن محمد، رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين، قم: مركز البحوث والتحقيقات الإسلامية، ج١، ١٣٦٩ش.
٧. شيبيري، سيد محمد جواد، كتاب العدد (درس خارج فقه)، جلسة ٦٤، ٢٠ بهمن ٩٨، ص ٥١٦.
٨. _____، كتاب الارث (درس خارج فقه) - متن خام -، جلسة ٦٥، ٧ بهمن ١٣٩٤، ص ٣٧٧.
٩. شوشتري، محمد تقى، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ج٢، ١٤١٠ق.
١٠. طوسى، محمد بن حسن، رجال الطوسي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ج٣، ١٣٧٣ش.
١١. _____، الفهرست، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، ج١، ١٤٢٠ق.
١٢. عدة محدثين، الأصول الستة عشر، قم: مؤسسة دار الحديث الثقافية، ج١، ١٤٢٣ق.
١٣. عسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد ابن حجر، لسان الميزان، [بى جا]: دار البشائر الإسلامية، ج١، ٢٠٠٢م.
١٤. كشي، محمد بن عمر بن عبد العزيز، رجال الكشي، مشهد: مؤسسة نشر دانشگاه مشهد، ج١، ١٤٠٩ق.
١٥. نجاشي، ابوالعباس، رجال النجاشي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ج٦، ١٣٦٥ش.